

است و نظم هم منحصر بزمان انتخابات نیست بلکه در هر موقع هر کس بخواهد برخلاف نظم رفتار کند نظمیه و حکومت موظف هستند که آن را ردستگیر نمایند و یکی از آن مواقع هم موقع انتخابات است و آن نظری که آقایان می فرمایند منافاتی با این عبارت ندارد میسر است پیشنهاد کنند که انجمن نظارت در تحت مراقبت حکومت باشد ولی مراقبت غیر از مسئولیت است البته در مواقع لازمه انجمن از حکام مساعدت خواهد خواست و آن ها هم مکلف هستند که مساعدت نمایند و کمسیون هم این قبیل پیشنهادات را قبول میکند ولی مسئول جریان انتخابات خود انجمن نظارت است و مسئول نظم مرکز انجمن حکومت است و چون در ادوار سابقه حکام دخالت های بی مورد در انتخابات کرده اند و نگذاشتند نمایندگان حقیقی انتخاب شوند و تجربیات گذشته کمسیون را وادار کرد که این عبارت را بنویسند حالا آقایان مخالفند مخالف باشند؟ (جمعی گفتند - مذاکرات کافی است) رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفته شد - کافی است) رئیس - امتداد جلسه چگونه؟ (گفتند - آن هم کافی است) رئیس - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکرات. آقایان بیکه مذاکرات کافی می دانند قیام نمایند. (عدم کنیری قیام نمودند) رئیس - معلوم میشود کافی است (چهار فقره پیشنهاد به مضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در ماده شانزدهم بعد از انجمن نظارت لفظ مرکزی علاوه شود (فیوضات) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۱۶ جمله ذیل اضافه شود جلوگیری از عدم انتظامات در حوزه های انتخابیه در عهده حکومت و نظمیه آن حوزه است (ابراهیم قمی) بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۶ این قسم نوشته شود فقط انجمن نظارت متصدی و مسئول صحت جریان انتخاب خواهد بود و حکومت یا نماینده حکومت موظف به نظم و مراقبت در محل انتخابات است (امین التجار) پیشنهاد مینمایم ماده شانزدهم بترتیب ذیل نوشته شود: انجمن نظارت متصدی و مراقب صحت جریان انتخاب خواهد بود سید المحققین رئیس - جلسه ختم بشود یا نه؟ (گفتند - بلی ختم بشود) رئیس - جلسه آتی به فردا دو ساعت ونیم قبل از غروب . موضوع مذاکرات : اولاً طرح منسوجات وطنی ثانیاً لایحه گوگرد و نمک ثالثاً لایحه راجع بقرار داد تجارتی ایران و مصر

آقای قوام السلطنه (اجازه)

قوام السلطنه - بنده میخواستم در موضوع بین النهرین و مقالاتیکه در بعضی جرائد نوشته میشود توضیحی بدهم و از مندرجات بعضی جرائد اظهار تأسف کنم. آقایان در نظر دارند قبل از اینکه دولت سابق تغییر بکند در یکی از جرائد درج شده بود که قیومیت دولت انگلیس را در بین النهرین بنده تصدیق کرده ام و مقارن انتشار این خبر یکی از آقایان نمایندگان راجع باین موضوع سؤال کردند من در جواب سؤال اظهار کردم که حکومت جدید بین النهرین را دولت ایران رسمیت نشناخته است و موضوع قیومیت دولت انگلیس هم در بین النهرین مربوط بدولت ایران نبوده است مقصود بنده این نبوده که دولت ایران بمقدرات بین النهرین بی علاقه است . خبر همیشه ملت ایران نسبت بامور بین النهرین و مقدرات آن مملکت کاملاً متوجه و علاقمند بوده و سعادت این مملکت را آرزو مند بوده است البته این مسئله را روابط و علائق صوری و معنوی که بین ایران و مغربی که بین ایران و بین النهرین هست کاملاً ثابت و برقرار نموده است و محتاج بتوضیح نیست اما اینکه گفتم مربوط بدولت ایران نبوده نظرم این بود است که چون بین النهرین در موقع جنگ بین المللی بین دول متفق تقسیم شده است و در آن موقع دولت ایران در مجمع اتفاق ملل شرکت نداشته و عضویت دولت ایران را در کنفرانس صلح اروپا نپذیرفته بودند باین جهت این تصمیم مربوط بدولت ایران نبوده است پس چیزی که مربوط به دولت ایران میشود است این بوده که هر وقت در مجمع اتفاق ملل این مطلب مطرح شود نماینده دولت ایران از طرف دولت ایران عقاید دولت را اظهار کند و این مطلب را هم در همان موقع متذکر شدم که نماینده ایران بموجب دستور دولت متبوعه خودش اظهار کرده بود که باید مقدرات بین النهرین بر وفق آمال ملی و نظریات اهالی ملت بین - النهرین تأمین شود بطوریکه آزاد باشند و حکومت و سعادت خود را خودشان برقرار کنند و در تحت فشار واقع نشوند این بوده است نظریه دولت ایران که نماینده آن در مجمع اتفاق ملل اظهار کرده است معیناً با اینکه مطلب را صراحتاً در مجلس شورای ملی گفتم در همان موقع هم تکذیب کردم و گمان میکنم که سؤال کننده هم قانع شده بود معذالک باز در یکی از جرائد این مطلب را تعقیب کرده بودند حتی در یکی از جرائد نوشته شده بود (بعد از آنکه این مطلب در مجلس تکذیب شد چرا در جراید تکذیب نشده است) حقیقتاً خیل جای تأسف است بعد از آنکه رئیس دولت يك مسئله را در مجلس تکذیب میکنند و سؤال کننده هم قانع میشود و عین آن مطلب هم در جراید

منتشر می شود معذالک گفته شود که خلاف واقع است!!

بهر حال باز در همان روزنامه که نمرة آئینش اینطور نوشته بود در چند نمرة قبل دیده شد که با این مطلب را تعقیب کرده و صراحتاً نوشته است که من قیومیت انگلیس را در بین النهرین تصدیق کرده ام و عجیب آنکه نه فقط این مطلب را نوشته بلکه يك تلگراف مجهولی را هم بنده نسبت داده و درج کرده بودند و بالاخره يك عادت ناسایسته را هم بنده نسبت داده بودند که البته لازم نیست شده جواب آن عبارت را بدهم ولی خلاصه نتیجه که از آن تلگراف مجهول موهوم گرفته بود این بود که بنده قیومیت دولت انگلیس را در بین النهرین تصدیق کرده ام در صورتیکه بنده این مطلب را در تمام جرائد طهران تکذیب کردم و باز در شماره دیروز همین روزنامه دیده شد که در تحت عنوان :

(تصدیق قیومیت انگلیس در بین النهرین) نوشته بودند که اگر چه در این موضوع مذاکراتی در مجلس شده که در جرائد هم نوشته اند ولی ممکن است بی صورتی های دیگری تصدیق شده باشد و بالاخره نوشته بودند که ممکن است بطوریک فرمایشات های بین الدول تصدیق شده باشد مثلاً قرار داد پستی یا گمرکی بسته باشند یا حق حمایت انگلیس را بر اتباع بین النهرین تصدیق کرده باشند و باز از آن بیانات نتیجه گرفته بودند که من قیومیت انگلیس را در بین النهرین تصدیق کرده ام من از آقایان انصاف می خواهم در صورتیکه قیومیت انگلیس در بین النهرین تصدیق نشده باشد چگونه ممکن است قرارداد پستی بسته شود ؟

چطور ممکن است که حق حمایت مأمورین انگلیس باتباع بین النهرین تصدیق بشود ؟ بنده لازم دانستم که صراحتاً به آقایان عرض کنم که بهیچوجه تصدیقی از قیومیت انگلیس در بین النهرین نشده است . حتی در دو کابینه من چند دفعه اول وجه در دفعه ثانی بصراحتاً در کمال تاکید بمأمورین ایران تلگراف کردم دستور دادم که هیچ گونه حق دخالتی بمأمورین انگلیس نسبت بمأمور داخلی بین النهرین ندهند و دوسیه و آرشیو وزارت خارجه هم حاکی از این قضیه است و ممکن است بنظر آقایان برسد با این حال حقیقتاً جای تأسف است . در صورتیکه می خواهند غلط يك انتشاراتی بدهند خوب است دیگر نسبت بسبب است خارجی مملکت اینطور بی احتیاطانه انتشارات ندهند . زیرا این مطلب فعلاً به من مربوط نمیشود . من که استعفا کرده و رفته ام ولی اگر يك ضررهای اخلاقی و نتایج سوئی داشته

باشد متوجه بمملکت خواهد بود .

(بعضی گفتند - صحیح است)

رئیس - آقای آقامیرزا علی (ا. باره)

آقامیرزا علی کازرونی - بنده

در دو جلسه قبل پیشنهاد کردم که تمام جلسات عصر باشد ولی حالا . . .

(در این موقع جمع کثیری از آقایان نمایندگان از مجلس خارج شدند)

کازرونی - آقایان که بلند شدند دفعه دیگر برای کمی بگویم خوب آخرش موفق خواهند شد و موقع دیگر خواهم گفت .

(مجلس تقریباً دو ساعت ونیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۲۲۷

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه ۲۶ ذی القعدة ۱۳۰۱

مطابق ۱۸ جمادی الثانیه ۱۳۴۱

(مجلس یک ساعت ونیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید صورت جلسه یوم چهارشنبه ۲۵ ذی القعدة آقای امیر ناصر قرائت نمودند.

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده در صورت جلسه عرضی ندارم بعد از تصویب صورت جلسه دو کلمه عرض دارم

رئیس - صورت جلسه ایرادی ندارد؟ (اظهاری نشد)

آقای داور بواسطه کسالت مزاج از ۱۸ دلو الی دهر روز اجازه مرخصی خواسته اند و بکمسیون هم تصویب نموده است باید رأی گرفته شود . آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بعد از انقضاء مدت تازه اجازه مرخصی زمان گذشته رامی خواهند ؟ چیز غریبی است . . .

یک نفر از نمایندگان - چه اهمیت دارد ؟

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض نکردم رأی بدهند البته میدانم اکثریت مجلس رأی خواهد داد و رأی ایشان هم مطاع است وایستی بعقیده بنده این ترتیب ترتیب خوشی نیست

رئیس - آقای اقبال السلطان

(اجازه)

اقبال السلطان - همه میدانند آقای

داور چند روز است جزو غائبین بی اجازه نوشته اند در صورتیکه ایشان مریض بوده اند از این جهت امکنه اجازه خواسته اند

رئیس - آقای رفعت الدوله

(اجازه)

رفعت الدوله - پنج روز قبل تقاضای اجازه مرخصی آقای داور بکمسیون آمد و کمسیون آنرا تصویب نمود

رئیس - رأی میگیریم بمرخصی ده

روزه آقای داور آقایی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد يك فقره دیگر راجع برخصی آقای مساوات است که بواسطه عارضه کسالت از ۲۵ دلو پنجره اجازه خواسته اند کمیسیون هم تصویب کرده است.

آقای فتح الدوله (اجازه)

فتح الدوله - بنده نمیدانم این اجازه هاجه نجاتی کنیم زیرا بکنفر که مریض شد تحصیل اجازه لازم ندارد فرضاً مجلس مرخصی ایشان را تصویب نکرد آن وقت تکلیف چیست؟ بعقیده مریض اجازه مرخصی لازم ندارد. وقتی که شخص مریض شده مریض قدر که اطلاع داد کافی است و بنده مخالفم باینکه اشخاص مریض تحصیل اجازه نمایند و عقیده ام این است که فقط بمقام محترم ریاست اطلاع بدهند و جزو غائبین با اجازه نوشته شوند. و دیگر محتاج بتصویب و اجازه مجلس نیست

رئیس - این مسئله سابقاً هم در مجلس مطرح گردید و قرار شد برای اشخاص مریض هم رای گرفته شود. رای میگیریم برخصی پنجره آقای مساوات. آقایی که تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. حالا که برای مرضی رای گرفته شد خوب است برای آقای سعادت هم که یکماه مرخصی خواسته اند رای گرفته شود. رای میگیریم برخصی ایشان از ۵ دلو نایب یکماه آقایی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. لایحه راجع بمنسوجات وطنی مطرح است

شیخ الاسلام - بنده قبل از دخول در دستور عرضی داشتم.

رئیس - بفرمایند.

شیخ الاسلام - ماده واحده از طرف ۴۲ نفر از نمایندگان امضاء شده و پنج نفر هم معتقد به آن هستند تقدیم مقام ریاست شد و یکمسیون مبتکرات مراجعه شد و ضمناً هم آقای رئیس یکمسیون تأکید فرمودند که در دوره تکلیف آنرا که راجع بقانون انتخاب بود معین کنند و امروز هفت روز است که گذشته و کمیسیون مبتکرات گوا هنوز منعقد نشده است. استدعا دارم مقرر فرمایند کمیسیون مبتکرات منعقد شده و نتیجه عقیده خود را بمجلس تقدیم کنند یا اینکه اجازه فرمایند در خود مجلس بدون مراجعه بکمیسیون مبتکرات مطرح شود. و اگر هم عین آن ماده واحده طرحش در مجلس صورت قانونی ندارد ممکن است مامضاء کنندگان يك تغییراتی در او قائل بشوم یا طرح آن در مجلس صورت قانونی پیدا کند مثلاً پنج سال را چهار سال

و نیم یا چهار سال و ده ماه بکنیم. در هر صورت ۴۷ نفر از نمایندگان حاضر مجلس شورای ملی که اکثریت تامه مجلس را تشکیل میدهند يك لایحه تقدیم و تقاضای فوریت هم نموده اند ولی هنوز تکلیفش معلوم نیست

سردار فخر - لایحه را که آقای شیخ الاسلام اشاره فرمودند بکمیسیون آمده و تحت مذاقه گذارده شده است و راپورت آن همین دوروزه بر مرض مجلس خواهد رسید

رئیس - لایحه منسوجات وطنی مطرح است. ماده ۱ و ۳ و ۴ همان مواد سابق است فقط ماده ۲ تغییر کرده است بهر حال ماده ۱ قرائت می شود

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - دولت مکلف است کلیه لباسهاییکه برای مستخدمین لشکری و کشوری تهیه می نمایند از مصنوعات و منسوجات ایران باشد

رئیس - مخالفی نیست؟ آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - بنده در شورای اول پیشنهاد کردم که يك لفظ (حتی الامکان) اضافه شود. زیرا در بعضی نقاط کارخانجات نساجی بقدر کمات نیست که دولت نمیتواند رفع حوائج محلی خود را بتوسط کارخانجات نساجی بکند و خوب هم نیست مانتکلیف مالایطاق بکنیم و يك قانون غیر عملی از مجلس بگذرانیم باین جهت بنده پیشنهاد کردم که ماده اینطور نوشته شود. دولت مکلف است کلیه لباسهاییکه برای مستخدمین لشکری و کشوری تهیه می نماید (حتی الامکان) از مصنوعات و منسوجات ایران باشد.

شیخ الرئیس مخبر - البته در تمام شرایع وادیان راجع بتکالیف يك اصل کلی موجود است که مطابق آن اصل همیشه باید رفتار شود بدیهی است تکلیف در موردی است که اشکال نداشته باشد و در حد و امکان باشد البته اگر برای دولت ممکن نباشد اجرا نخواهند نمود و اگر اینطور باشد ما مجبوریم هر ماده قانون که می نویسیم کلمه (حتی الا- مکان) را هم اضافه کنیم مثلاً بگوئیم رئیس مالیه موظف است حتی الامکان بحساب رسیدگی کنوائین ترتیب خوبی نیست و محتاج نیست کلمه حتی الامکان نوشته شود. البته قانون باید بطور مطلق و کلی نوشته شود که حکومت ملزم باجرا آن باشد و اگر لفظ حتی الامکان اضافه شود باعث میشود که قانون اجراء نشود و مثل این میماند که بگوئیم اگر قشونی بجائی رفت و سرب و بار و طوا تمام شد باید انداخت با و امر کنند حتی الامکان فشنگ خالی کند مسلماً در صورتیکه فشنگ نداشته باشد نمی تواند خالی کند.

رئیس - آقای کازرونی

(اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - موافقم

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - بنده هم موافقم

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

رئیس آقا سید فاضل - بنده هم موافقم

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - موافقم

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - فرمایش آقای مخبر

مرام مجبور کرد که عرض کنم اینجا مجلس شورای ملی است و خوب نیست ما مرام نامه بنویسیم. البته همه ما آرزو مندیم که ملت ایران خودش بتواند رفع حوائج خودش را بنماید ولی متأسفانه امروزه وسائلیکه دولت بتواند لوازمات عموم مستخدمین خود را فراهم کند در تمام نقاط موجود نیست پس ما نباید از نقطه نظر مرامی اینجا چیز بنویسیم باید از نقطه نظر عملی شدن قانون بنویسیم و بعقیده بنده نوشتن کلمه حتی الامکان در این ماده لازم است زیرا ممکن است وسایل پوشیدن لباس ایرانی برای بکنفر مستخدم صحیح العمل فراهم نباشد آنوقت او را از کار منفصل کنند و يك نفر نالایق را بجای او بگذارند؟ و اینکه عمل ناصحیحی است.

مخبر - مخصوصاً از نقطه نظر این

که این قانون عملی بشود کمیسیون فوائده عامه یکمده از نمایندگان تجار را بکمیسیون احضار نموده و مذاکرات زیاد هم در این باب شد و بالاخره متخصصین این فن اظهار داشتند که اگر بنیاب باشد از اول حمل هم این قانون را بموقع عمل بگذارند ممکن است. مع هذا کمیسیون فوائده عامه احتیاط نموده و اجرای این قانون را از اول میزان قرار داد بهر جهت کمیسیون فوائده عامه کاملاً مخالف است که کلمه (حتی الامکان) بر این ماده اضافه شود.

زیرا باعث میشود که این قانون قانون عملی نشود.

رئیس - رای میگیریم بماده ۱ آقایی که ماده اول را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس تصویب شد.

ماده ۲ (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده دوم - عموم وزراء و نمایندگان مجلس شورای ملی و معاونین و ولات و حکام و قضات عدلیه و کلیه مستخدمینی که مشمول قانون استخدام می باشند و نیز مستخدمینی که از طرف دولت بایشان لباس داده شده در موقع اشتغال بخدمت رسمی مکلفند. البسه ظاهری خود را از مصنوعات و منسوجات ایران فرار دهند.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده با این قسمت که در این ماده نوشته شده است مستخدمین در موقع اشتغال بخدمت لباس وطنی بپوشند مخالفم.

چهار علت دارد که همیشه نباشند؟ این مسئله چیز غریبی است که مستخدمین لباس وطنی تهیه کنند و فقط وقتی که میروند در اداره آن را بپوشند و بعد که از اداره خارج شد یک دست لباس دیگر بپوشند.

ما مقصودمان امتیاز لباسهای مستخدمین دولت که نیست. مقصودمان ترویج اتمه وطنی است و باید ملزم کنیم مستخدمینی را که همیشه لباس وطنی بپوشند و باین قیدی که اینجا شده است که فقط در موقع اشتغال به خدمت لباس وطنی بپوشند مخالفم البته چند سال که باین ترتیب رفتار شد و سائل آن هم فراهم میشود و بالاخره باین قیدی که اینجا شده است جدا مخالفم.

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی.

(اجازه)

میرزا سید حسن کاشانی - همان طور که گفته شد بنده هم موافقم باینکه مستخدمین دولت بطور کلی همه وقت منسوجات وطنی بپوشند و بهتر این است که کفش و کلاه هم در این ماده قید شود.

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرونی - علت اینکه در این ماده قید شد که مستخدمین با سستی در موقع اشتغال بخدمت لباس وطنی بپوشند چند مسئله بود یکی علتش این بود لباس هائی که از سابق مستخدمین دولت داشتند عاقل و باطل نماند و يك علتش هم این بود که مردم يك اندازه آزادی داشته باشند و در غیر موارد دیگر مشغول خدمت هستند اگر میل داشتند بتوانند لباسهای دیگری بپوشند.

بعلاوه خواستم خدمت آقای حاج شیخ اسدالله عرض کنم که کمتر روزی است که کو کلاه عوز را و مستخدمین دولت مشغول خدمت نباشند و این استثناء بهیچوجه لطمه وارد نمی آورد ولی هم نظر آقایی که معتقد بودند این مسئله باعث محدودیت می شود تا مین میکنند هم نظر آقای حاج شیخ - اسدالله را تا مین مینماید معذک بنده عرض میکنم اگر مجلس مقدس رای بدهد که همه وقت مستخدمین لباس وطنی بپوشند کمیسیون فوائده عامه با کمال امتنان می پذیرد.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده لازم می دانم با آقایان تذکر بدهم که در ضمن شور اول این لایحه چند چیز پیشنهاد و قابل توجه شد و حالا هر چه گوش دادم آنها را در این لایحه ندیدم.

یکی راجع بکفش و عمامه بود که

مخصوصاً بنده پیشنهاد کردم ضمیمه شود و يك قسمت عمده از مقصود ما را تأمین کرد و گویا از قلم افتاده است مسئله دیگر راجع باطفال مدارس مجانی بود که مذاکره شد آنها را هم ملزم کنیم چون با مخارج دولت زندگی می کنند اقلاً لباسشان وطنی باشد و اگر بخواهیم توسعه بدهیم باین مسئله عقیده بنده این است معلمین و مدیران و سایر مستخدمین مدارس را هم باید ضمیمه کرد ولی از نقطه نظر اینکه شاید مجلس این نظریه را رد کند عجلاناً در آن موضوع عرضی نمی کنم ولی بعقیده بنده دو قسمت است که لازم است در این ماده تصریح شود یکی راجع بکفش و کلاه است که تصریح شود حتماً وطنی باشد.

یکی هم راجع به شاگردان مدارس مجانی است که باید لباس آنها هم وطنی باشد و از این راه ممکن است منافع زیادی عاید مملکت شود یکی هم راجع باین که مستخدمین اداری در غیر ساعات اداری هم لباس وطنی بپوشند و در شور اول هم در این باب مذاکرات زیادی شد و جواب آنها هم داده شد و بالاخره معلوم شد که هیچ تعمیلی بر مستخدمین نمی شود زیرا دولت همانطور که مستخدمین را مقید میکند باینکه تحصیلات سه ساله متوسطه را دارا باشند همانطور هم آنها را مقید می کند که باید لباس وطنی بپوشند و بهیچوجه تمحیلی بر مستخدمین نمی شود بعلاوه آن اشخاصی که مشغول هستند و می خواهند لباسهای قشنگ بپوشند آنها احتیاج با استخدام دولت هم ندارند بهر جهت عقیده بنده این است که این دو مسئله مخصوصاً قید شود یکی کفش و کلاه و عمامه را ضمیمه کنند و یکی مستخدمین در غیر اوقات اداری هم لباسشان وطنی باشد.

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده تعجب میکنم از این فرمایش آقای حاج شیخ اسدالله البته مستخدمین دولت خیلی سعادتمند هستند که با کمال افتخار لباس وطنی بپوشند زیرا پارچه های وطنی علاوه بر اینکه غیر لطیف نیست بمراتب بهتر از پارچه های فرنگی است از قبیل شالهای شیروانی و غیره ولی باید این مسئله را مراعات کرد که مستخدمین دولت را در ساعاتی که مشغول خدمت هستند دولت می تواند برای آنها شرایطی معین کند اما در ساعاتی که مشغول خدمت دولت نیستند نمی توان آنها را ملزم نمود باینکه لباس وطنی بپوشند فرضاً شب در منزل می خواهد لباس بپوشد هیچ فلسفه ندارد آنها را ملزم کنند باینکه حتماً لباس های وطنی بپوشند و آن مسئله را هم که فرمودند دولت قید میکند که مستخدم باین شرط استخدام می شود عرض میکنم دولت می تواند قید کند آن ساعتی که برای من

کار میکنند و میخواهم از شما استفاده کنم باید لباس وطنی بپوشید.

لکن غیر از ساعات اشتغال بخدمت دولتی قید نمودن بنده غیر منطقی می دانم. و راجع به مسئله کفش هم چون بعضی ها اظهار نمودند که هنوز کفش هائی که کاملاً مانع از گل و آب باشد در ایران حاضر نشده است باین جهت کمیسیون هم کفش را قید نکرد.

اما راجع به مسئله معلمین و معلمات و اطفال مدارس مخصوصاً خود بنده پیشنهاد کرده بودم که آنها هم ضمیمه این قانون بشوند و خواستم از آقای مخبر سؤال کنم علت این که در کمیسیون قابل توجه نشده چه بوده است؟ در صورتیکه این مسئله خیلی خوب است و اطفال باید از صفر سن بالیه وطنی مانوس شوند و علت قابل توجه نشدنش را در کمیسیون نمیدانم.

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی (اجازه)

بنده این قیدی که در این ماده شده است که مستخدمین مکلفند البسه ظاهری خود را از منسوجات وطنی قرار دهند زائد می دانم.

زیرا ممکن است مستخدمین يك عبا دوش بگیرند یا يك فرقه روی لباسشان بپوشند و سایر ملبوسشان پارچه خارجی باشد و بگویند ملبوس ظاهری اطلاق باین مسئله میشود از این جهت تصور نمیکنم فایده بر این قانون مترتب نشود و عقیده بنده این است لفظ ظاهری حذف شود و بطور مطلق نوشته شود ملبوسشان از پارچه های وطنی باشد.

مسئله دیگری که میخواستم عرض کنم این است که چون معلمین و مستخدمین مدارس مشمول قانون استخدام نیستند خوب است در این ماده تصریح شود که معلمین و مستخدمین مدارس هم در مواقعی که در مدرسه مشغول خدمت و تدریس هستند لباسشان باید وطنی باشد این مسئله را بنده سابقاً هم پیشنهاد کرده بودم و سبب اینکه این مسئله در کمیسیون قابل توجه نشده نمیدانم چیست؟ و حالا هم تقاضا میکنم که مستخدمین مدارس هم ضمیمه شوند.

مخبر - این قسمت را نباید فراموش بفرمایند که قانون استخدام مستخدمین مدارس نوشته شده و عنقریب بمجلس خواهد آمد و مقصود از قانون استخدام که در این ماده نوشته شده است نه فقط قانون استخدام گذشته است بلکه هر قانون استخدامی که بگذرد شامل خواهد شد اما اینکه فرمودند شاگردان مدارس مجانی هم مشمول این قانون باشند بعضی استحضار خاطر آقایان مرض میکنم اولاً شاگردانیکه بمخارج دولت تحصیل میکنند چهار صد نفرالی یا صد نفر بیشتر نیستند بعلاوه آنها در مدرسه که تحصیل میکنند روز بروز بر معلوماتشان افزوده می-

شود و خود آنها با کمال میل و رغبت ملبوس وطنی خواهند پوشید و هیچ محتاج نیست که آنها را مجبور کنند لباس وطنی بپوشند و تصور میکنم بهیچوجه لازم نباشد که با چهار صد دست لباس آنها را وطنی ترست نمود اما راجع به مسئله که آقای حاج میرزا مرتضی اظهار فرمودند خیلی تعجب میکنم که ایشان لباس ظاهری را بهیچ وجه و فرقه و پوستین اطلاق فرمودند در صورتیکه مقصود از این ظاهری چیز هائی است که بچشم دیده شود مثل قبا و بادیه و سرداری و سایر لباسها که میپوشند ولی راجع بپیراهن که تحقیق کردیم دیدیم شاید باندازه کفاف پارچه های پیراهنی نداشته باشیم بعلاوه تفتیش آنها هم باعث زحمت بود لذا کمیسیون بنا پیشنهاد آقای مدرس اینطور صلاح دانست که نوشته شود ملبوس ظاهری و عملیتر از این ترتیب بنظر کمیسیون نرسید.

رئیس - آقای پور رضا (اجازه)

پور رضا - بنده موافقم (جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

مخبر - در ماده ۲ يك عبارتی اشتباهاً نوشته شده است ابتداء وزراء بعد نمایندگان مجلس نوشته شده است در صورتیکه بایسته ابتداء نمایندگان مجلس نوشته شود تقاضا میکنم خود آقایان در لوائح خودشان تصحیح فرمایند.

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کفش و کلاه هم ضمیمه ماده سوم شود

(حسن الحسینی کاشانی)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه ظاهری از این لایحه حذف شود و معلمین مدارس هم مشمول قانون استخدام نمی باشند ضمیمه شود

رئیس - پیشنهادها قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم کفش و کلاه هم ضمیمه ماده سوم شود

(حسن الحسینی کاشانی)

بنده پیشنهاد میکنم کلمه ظاهری از این لایحه حذف شود و معلمین مدارس هم مشمول قانون استخدام نمی باشند ضمیمه شود

رئیس - حاج میرزا میر تقی

بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوم اینقسم نوشته شود.

وزراء و وزراء و عوام مستخدمین دولت مکلفند که تمام البسه و کفش و کلاه و عمامه خود را از مصنوعات و منسوجات وطنی قرار دهند

(شیخ اسدالله مجلاتی)

بنده پیشنهاد میکنم اعضاء و اجزاء و مستخدمین دربار سلطنتی هم ماده دوم مزید شود.

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن - البته خاطر آقایان نمایندگان محترم مستحضراست که همیشه در اینجا مذاکره میشود که ثروت مملکت بخارج می رود و مملکت دچار فقر شده است بنده تصور میکنم کفش و کلاه مستخدمین هم تقریباً قیمتش با اندازه یک دست

لباس بشود و هیچ ضرری ندارد که کفش و کلاه را هم ضمیمه این ماده نمایند که آنها هم از امتعه وطنی باشند و این مسئله سبب می شود که يك عده از بیکارهای مملکت کم شود و بر ثروت مملکت هم میافزاید

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - باید آشکارا تر حرف زد در کمیسیون راجع بکفش و کلاه و عمامه مذاکره شد و حقیقتاً دیدیم امروز نمیتوان کفش و کلاه و عمامه را مشمول این قانون نمود زیرا عمامه يك پارچه های خیلی نازکی لازم دارد و نسج پارچه نازک هنوز در ایران ممکن نشده است و کرباس را هم نمیتوان عمامه نمود.

اما راجع بکفش امتحان کردیم دیدیم کفشهاییکه در ایران تهیه میشود اسباب ضرر و زحمت مردم است. اگر بخواهند

کفش خوب بسازند باید چرم او را از اروپا بیاورند و بیشتر گرانی کفش بواسطه چرم آنست و گر نه اجرت ساخت آن در ایران با اروپا چندان فرق نمیکند بلکه اگر در اروپا تهیه کنند مخارج ساخت آن کمتر از ایران می شود و اگر هم آقایان بخواهند امتحان کنند ممکن است ببیکی از دکانهای کفایش مراجعه نمایند البته خواهند دید که اگر چرم آنها اروپائی شد يك قسمتهائی میگیرند که از کفشهای فرنگی گرانتر است و بعلاوه این کفشهاییکه می دوزند قدری اسباب زحمت مردم را فراهم میآورند که نهایت ندارد اگر انشاء الله کفش دوزها توانستند

کفشهای خوب درست کنند که بکار بخورد ممکن است این مسئله را بعد ها ذکر کنیم یا آنکه با طبیعه ملحق خواهند شد و اما کلاه مسلم است بالطبع مال ایرانی است و محتاج این نیست که ما در اینجا قید کنیم و کمیسیون هم لازم ندید

شیخ الرئیس مخبر کمیسیون - این پیشنهاد ها سابقاً شده بود و در کمیسیون نیز مطرح مذاکره گردید لکن کمیسیون اینها را عملی ندانست و حالا برای اینکه وقت مجلس تلف نشود عرض میکنم بنفر از پیشنهاد آقای مساوات که آنرا ضمیمه قانون کردیم سایر پیشنهادات را کمیسیون عملی ندانست و قبول نکرد دیگر حالا هر چه آقایان در مجلس بفرمایند زیاده است

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای آقا میرزا سید حسن.

آقا سید فاضل - بنده تقاضای تجزیه میکنم.

(مجدداً بطریق سابق قرائت شد)

رئیس - تجزیه میکنم اول بکلاه

رای بگیریم آقایی که ضمیمه کلاه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد بکفش رای

میکند.

(مجدداً بطریق سابق قرائت شد)

رئیس - تجزیه میکنم اول بکلاه

رای بگیریم آقایی که ضمیمه کلاه را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

میگیریم آقایانیکه کفش را قابل توجه می-
دانند قیام فرمایند
(عده معدودی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد آقای
حاج میرزا مرتضی قرائت می شود
(مجدداً بمضمون سابق خوانده شد)
رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی
(اجازه)
حاج میرزا مرتضی - آقای مخبردر
اینکلمه ظاهری يك توضیحی فرمودند که
بنده را قانع نکرد مقصود تمام لباسهای
ظاهری است بنده هم میدانم ولی عرض می
کنم وقتی این کلمه نوشته شود آنوقت آقایان
مستخدمین که میل ندارند البسه وطنی
بپوشند يك پالتو یا يك عا می پوشند و می
گویند مقصود از لباس ظاهری این است و
میروند میت میزند نمی نشینند آنوقت این
قانون بیفایده شده و در حقیقت نقض غرض
میشود و بنده معتقدم که این کلمه ظاهری
برداشته شده و قدشود پیراهن وزیر شلوار
و بعضی چیزهای دیگر که تفتیش آنها اشکال
دارد مستثنی باشند و قسمت راجع بمعلمین
را پس میگیریم ولی کلمه ظاهری را مسترد
نمی دارم
مخبر - بعد از اینکه از این قبیل عبارات
پیدا شود و یکی سؤال میکند که توضیح داده
میشود دیگر مستخدم نمیتواند بنظر خود
تعبیر کند که مقصود از لباس ظاهری چه چیز
است هینقدر اینجا مراد از عبارت گفته شد
بنظر بنده کافی است
رئیس - آقای پور رضا عضو کمیسیون
هستند ؟
پور رضا - خیر بنده عضو کمیسیون
نیستم
رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)
میرزا علی کازرونی - آخر باید قانون
عملی باشد یا نه
فرضاً ما کلمه ظاهری را برداشتیم آنوقت
نمیشود هر مستخدمی را فحص و تفتیش کرد
و لباس زیرتش را دید که وطنی پوشیده
است یا نه
رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای
حاج میرزا مرتضی
مخبر - بنده گمان نمی کنم در آن
پیشنهاد بشود رأی گرفت برای این که
قسمت معلمین را که مسترد داشتند بقیه اش
را هم راجع به حذف است و بعد حذف نمیشود
رأی گرفت .
رئیس - پس رأی می گیریم پیشنهاد
آقای حاج شیخ اسدالله یعنی قسمت راجع
به کفش و کلاه را بر میداریم و باقی پیشنهاد
رأی میگیریم . آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)
حاج شیخ اسدالله - بلی قسمت کفش
و کلاه را آقایان رد کردند و لکن بنده در
قسمت خود خیلی متأسفم با علم و اطلاعی که

عموم نمایندگان بلکه عموم افراد ملت به
و ضعیف اقتصاد این مملکت دارند
مخصوصاً تجار که خود آنها برای انتفاع
خودشان بیشتر باید سعی و کوشش کنند در
جلو گیری از تجارت امتهم خارجی و منسوجات
خارجی و بواسطه حذف از يك تهلکه بزرگی
که مدتی است تمام تجار ایران در مرکز
و ولایات تمام هم صداسده برای جلو گیری
از این مضراتی که در پیش است و جلو گیری
از این خضری که متوجه این مملکت است
این طرح قانونی را پیشنهاد کردند و همه
آقایان هم با کمال ذوق و شوق و هلهله
استقبال کردند و همه می فرمودند که باید
يك قیودی کرد تا يك جلو گیری کاملی بشود
ولی در موقع عمل که می خواهم این قانون
را بگذرانیم بقدری شاخ و برگ آن را
می زنیم که بگلی موضوعش از بین می رود
مثلاً اگر چه گذشته است و دیگر این
قسمت مورد مذاکره نیست ولی باید گفت
به کفش رأی ندادید در حالتی که سالی
چندین صدهزار تومان پول کفش از مملکت
ما بخارج می رود باین عنوان که کفش ایرانی
قابل نیست
و بای مبارک آقا راضایع میکنند . نمایانم
سابقاً که کفش های ظریف از اروپا باین
مملکت نمی آمد افراد این مملکت یا برهنه
میرفتند من تعجب میکنم این چه عقیده است
که از بعضی از آقایان بروز میکند و حال
آنکه بهترین و ظریف ترین البسه آن است
که انسان از مملکت و ولایات خودش یا از
دست خودش تحصیل کرده و عمل بی آورد
و دفع احتیاج خودش را بکند ملاحظه بفرمائید
که در مملکت ما يك قسمت چیزهایی متداول
شده که حقیقتاً حیرت آور است مثلاً شنیده ام
بعضی از آقایان جوراب هائی استعمال میکنند
که قیمت آن ۵ تومان یا هفت تومان است
سابقاً خیلی زیاد بوده و حالا زیاد تر
کرده اند
آنوقت آقایانی که بنابر ورش یافته
اند از پولیکه افراد ملت بزحمت تحصیل کرده
اند و آن جوراب ها را خریداری نموده و در
میان گل ها را میروند و بالاخره آن جوراب هم
مقاومت این راه رفتن ها را ندارد و در مدت
دو سه روز پاره شده و دور می اندازند این نیست
مگر همراهی با خارجه ها که این پولهای ما
بخارج می رفته و در عوض این قبیل اشیاء می
آید و در موقعیکه مذاکره میشود که باید
کفش ایرانی بپوشد فریاد میکنند ای دادای
آمان بای ما زخم میشود و نمیتوانیم با کفش
ایرانی برویم بنده حقیقتاً این قسمت را نمی
فهم و نسبت بسهم خود خیلی متأسفم ولی
چون گذشته است بیش از این در گذشته سخن
نمیرانم .
اما نسبت بالبسه ظاهری یا غیر ظاهری
بعضی از آقایان میفرمایند اگر کلمه ظاهری
را برداریم عملی نیست زیرا مستخدم را برهنه
نمود و بد که پیراهن وزیر شلوارش از

اصلاً نتیجه نمیگیریم و هیچ چیزش باقی
نماند این است که بنده پیشنهاد نموده ام
که مستخدم در هر موقع بلکه تا آخر عمرش
هم باید لباس وطنی بپوشند
رئیس - باین اصلاح رأی میگیریم
(جمعی اظهار نمودند مجدداً
بخوانند .
(مجدداً قرائت شد)
رئیس - آقایانی که این اصلاح را
قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد
پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو مجدداً
قرائت میشود .
(بمضمون سابق قرائت شد)
رئیس - آقای ارباب کیخسرو
(اجازه)
ارباب کیخسرو - بنده گمان می
کنم یکی از مبارکترین ایام امروز است
که میخواهند يك قانونی
بگذرد که کمک کند باقتصاد این مملکت
و بنده بیشتر معتقدم که این مسئله عملی
تر خواهد شد اگر در عرض اینکه قانون
وضع کنیم ابتدا شروع میگردیم بپوشیدن
لباس وطنی البته با تریب بهتر ترویج بشود
تا اینکه قانون وضع شود و در هر صورت حالا
که قانون وضع شد و مقتضی شد که قانون
اجباری باشد و با اجبار اعضاء و مستخدمین
دولت را و اراد کنند که لباس وطنی بپوشند
بنده عرض میکنم اجزاء و اعضاء دربار سلطنتی
هم مشمول این قانون باشند و این پیشنهاد
بنده برای این است که وقتی از صدر شروع
شد باطنیه باقی دیگر هم تبعیت خواهند
نمود و بنده در شور اول هم بیکجه پیشنهادی
کردم و بلی میل داشتیم که اقلاً کمیسیون در
این ضمن يك استعزاجی از خود دربار
سلطنتی میکرد که اگر خود شان راضی
هستند در اینجا مستثنی نشده باشند برای
اینکه ممکن است این استثناء باعث اعتراض
سلطنتی يك توهنی باشد و شاید خود آنها
بگویند چرا ما را مشمول این قانون نکرده اند
آیا از آنجا استعزاجی شده است یا نه ؟ حالا
عرض میکنم چنانچه سابقاً هم در موقعیکه
میخواستند این مسئله را در قانون استخدام
مزید کنند عرض کردم خیلی بهتر است که
بطور عموم این قانون وضع شود ولی تصدیق
کردم که بطور عموم نمیشود مردمان مجبور
کرد مگر اینکه دولت يك تریبی در صادرات
و واردات مملکت بدهد بنده نمیخواهم فعلاً
در این قسمت وارد شوم که ممکن میشود
البسه و کفش و جوراب و بعضی قسمتهای
دیگر را يك قیدهای مخصوصی برایش بکنند
که لطیف و ظریف و چه باشد و نگویند در
مملکت نداریم و چون نداریم باید از خارجه
بیاوریم بنده در آن وقت هم این شعر را
خواندم حالا هم میخوانم

(که این جامه خویش پیراستن
به از جامه عاریت خواستن)
ولی بنده عقیده ام این است که اگر
پیراهن کرباس وطنی خودمان را بپوشیم و
بیشتر توجه به حفظ مصالح و منافع مملکت
کنیم آنوقت موقع آن خواهد رسید که افراد
ملت خودشان باطنیه تهیه و زینت آلات نکنند
و بفهمند که اول باید خانه را در هر حیث
محکم کرد آنوقت بزینت پرداخت . بهر حال
بنده در این موقع که پیشنهاد کردم هیچ
نظری نداشتم که از روی اجبار اعضاء دربار
مشمول این قانون شوند ولی وحشت از این
داشتم که اگر اسم آنها در اینجا ضمیمه نشود
توهین شده باشد حالا از آقای مخبر سؤال
میکم که آیا در این موضوع استعزاجی
کرده اند یا نه ؟
مخبر - آنچه در خاطر بنده است
(ممکن است فراموش کرده باشم) در موقعی
که در قانون استخدام مذاکره میکردیم خود
آقای ارباب مخالف با بعضی تکالیف نسبت
به مستخدمین بودند و اساساً فرمایند که
میفرمودند راجع باین مود که نباید داخل
در زندگانی خصوصی اشخاص شد
ارباب کیخسرو - در قانون استخدام
عرض کردم .
مخبر - منافاتی ندارد که حالا عقیده
تان این باشد آنوقت بنظر تان پیشرفت نداشته
ولی عرض میکنم خوب است همان عقیده را
محفوظ بداریم و دخالت در زندگانی خصوصی
اشخاص نکنیم . چون وزیر دربار مثل سایر
وزرا نیست و استعزاجی هم در هیچیک از قوانین
معمول نبوده است اگر آنها راضی هستند
البته خودشان قبول میکنند و لازم بشکلیف
نیست و اگر راضی نیستند ما سؤال میگردیم
و جواب میگویند که ما راضی نیستیم آنوقت
اساساً نباید قانون نوشت . باینحال باز
هم که در جزئیات بودجه دربار داخل شدیم
این مسئله را مطرح میکنیم . (چون هنوز
در جزئیات بودجه دربار داخل نشده ایم)
در هر صورت بعقیده بنده این راه عملی تر است
و علاوه تمام قوانین که بکمر تیه تکمیل نشده
است البته يك شروعی دارد و باید کم کم
هر يك از قوانین را تکمیل نمود ممکن است
وقتی دیدیم مثلاً کفش در مملکت پیدا شد
آنها ضمیمه کنیم و اگر کالوش پیدا شد اضافه
کنیم از این قبیل قوانین در مجلس وضع
نمودند که بتدریج نواقص آن رفع شده است
مثلاً قانون وظائف در مجلس اول گذشت و
بعد در مجلس دوم يك موادی با و اضافه کردند
و در مجلس سوم هم چند ماده اضافه شد و در
این مجلس هم پنج ماده اضافه نمودند در
هر صورت خیلی از این قبیل قوانین هست که
بتدریج و کم کم بر حسب مقتضیات مملکت
تکمیل شده است . حالا شروع میکنیم
سر دار معظم - بنده سؤالی دارم
رئیس - اگر در رأی گرفتن سؤالی
دارید میتواند سؤال کنید و الا خیر . رأی

میگیریم باین ماده آقایانیکه این ماده را
تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده ۳ قرائت
میشود .
(بمضمون ذیل قرائت شد)
ماده سوم - ترتیب اجری و تهیه
مجازات تغلف کنندگان را نظامنامه های
داخلی هر يك از ادارات مربوطه معین خواهد
نمود . این قانون از اول برج ۱۳۰۲ بموقع
اجری گذارده خواهد شد .
رئیس - مخالفی نیست ؟ آقای
حائریزاده
(اجازه)
حائریزاده - میخواستیم سؤال کنم
چون وزراء مشمول این قانون هستند آن
مجازات که برای آنها نوشته میشود باید
مجلس بنویسد یا خودشان بنویسند می -
خواستیم آقای مخبر این مطلب را توضیح
بدهند .
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد
(اجازه)
حاج میرزا علی محمد - بنده
مخالفم .
رئیس - بفرمایند
حاج میرزا علی محمد - سابق
بر این عرض کردم که وزارتخانه ها نظامنامه
ها را بنویسند و بنده نمایانم بجه نحو این
مجازات را معین میکنند ممکن است هر وزارت
خانه يك نوع مجازات معین کند لذا عقیده
بنده این است که مجازات متخلف را هم مجلس
باید معین کند که تمام وزارتخانه ها بخور
کلی يك مجازات داشته باشند مثلاً متخلف
صدیک حقوقش کسر شود و آن را بطور
کلی بنویسند که تمام وزارتخانه ها و تمام
دوایر دولتی را شامل شود والا اگر بنا باشد
نظامنامه مجازات معین نماید بعقیده بنده
عملی نیست .
رئیس - آقای آقا سید فاضل
(اجازه)
آقا سید فاضل - بنده عقیده ام این
است که نظامنامه راجع بطرز اجرای این
قانون را خود کمیسیون فوائد عامه بنویسد
بهر است تا اینکه مراجعه بنظامنامه های
اداری وزارتخانه ها کنند و بالاخره
خوب است خود کمیسیون نظامنامه هم راجع
بمجازات متخلف بنویسد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - اولاً جواب آقای
حاج میرزا علی محمد را عرض کنم که هر
قانونی وضع میشود يك نظامنامه برای
اجراء او هست ما يك قانونی می نویسیم و
ترتیب اجرای این قانون را آنکسی که
مسئول اجرای این قانون است باید بدهد
زیرا وظیفه او این است که قانون را بموقع
اجرای بگذارد و البته باید يك نظامنامه

بموجب نظامنامه باید اجرا کرد و اما اینکه
فرمودند چطور باید مجازات شود باید دانست
که جزا در مقابل خطا است اگر بنا باشد
در هر دفعه تخلف یک عشر از مواجب آنها را کسر
نکند در ظرف یکماه باید ده مقابل حقوقش
را از او بگیرند بنابراین یک عشر غیر عملی
و برخلاف ترتیب جزا و خطا است
مدرس اجازه می فرماید توضیحی
عرض کنم گویا آقای مخبر مقصود بنده را
ملفت نشده اند
رئیس - بفرماید
مدرس - اینکه عرض کردم یکدفعه
مقصود هر دفعه نیست بلکه مقصود از تخلف
در هر ماه است و چون تعداد تخلف در ماه
را نمیشود معین کرد از این جهت برای
تخلف در یکماه عشر را قائل شدم و مقصود
این است که از یکدفعه تا هر چند دفعه که
در عرض ماه تخلف نماید این مجازات را
داشته باشد .
حالا اگر آقایان عشر را زیاد می
دانند خوب است ربع عشر یا نصف عشر را
معین کنند .
در هر حال هر چه کسر شود برای
تقصیر و تخلف در یکماه است
مخبر - این توضیحی که دادید بیشتر
بر اشکال بنده افزود زیرا کسی که یک
دفعه یک خلاف قانونی میکند با کسی که دو
مرتبه مرتکب میشود نباید مساوی باشد و
البته در دفعه دوم جرمش باید بیشتر باشد
پس اینکه می فرمایند جزای یکمرتبه با پنجاه
مرتبه یکی باشد عملی نیست
رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد
آقای مدرس
مدرس - حالا که قبول نمیکند بنده
مسترد میدانم
رئیس - خطاب با آقای مدرس مسترد
داشتید ؟
مدرس - بلی
رئیس - پیشنهاد آقای حاج میرزا علی
محمد قرائت میشود
(باین ترتیب خوانده شد)
بنده پیشنهاد میکنم که ترتیب مجازات
اینطور نوشته شود . هر کس از این قانون
تجاوز نماید در هر دفعه از صد یک حقوق خود
در یکماه محروم خواهد شد

از این جهت اگر بنا شود در هر دفعه
تخلف صد یک حقوق او کسر شود عادلانه
خواهد بود .
کمان میکنم این ترتیب عملی تر باشد
که در هر دفعه تخلف صد یک حقوق او کسر
شود .
رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن
پیشنهاد آقای حاج میرزا علی محمد
(بعضی اظهار کردند بفرمایند دوباره
بخوانند)
(مجدداً بشرح سابق قرائت شد)
رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را تصویب
میکند قیام فرمایند
(عده کثیری قیام کردند)
رئیس - تصویب شد ماده ۴ قرائت
می شود .
(باین مضمون قرائت شد)
ماده چهارم - این قانون از اول برج
۱۳۰۲ بموقع اجرا گذارده خواهد شد
رئیس - آقایانیکه این ماده را تصویب
میکند قیام فرمایند
(اغلب نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده ۳ و شور در
کلیات میماند برای جلسه دیگر (چند دقیقه
تعطیل میشود)
(در اینموقع جلسه برای
تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت
مجدداً تشکیل شد)
رئیس - لایحه امتیاز کوگرد و نمک
جزائر مطرح است . آقای حائریزاده
(اجازه)
حائریزاده - اگر مصلحت بدانید خوب
است لایحه قرارداد مصر را مقدم بدارید
چون يك كلمه بیشتر نیست
رئیس - بسته برای مجلس است لایحه
امتیاز کوگرد و نمک جزائر و لایحه قرارداد
مصر هر دو جزو دستور است ولی لایحه کوگرد
مقدم است .
حالا آقای حائریزاده تقاضا دارند
لایحه قرارداد مصر مقدم باشند آقایانیکه
تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد ماده واحده قرائت
می شود .
(بشرح آتی تقریر شد)
پیشنهاد میکنم ماده واحده - چنین
نوشته شود دولت مجاز است امتیاز استخراج
و فروش نمک و کوگرد معادن واقعه در
جزائر هرمز و قشم و لارک و هنگام و دوبندر
بستانه و خمیر را بر طبق مواد ذیل الی ده
سال شمس از تاریخ امضاء با آقای حاج
معینالتجار بوشهری واگذار کند و ماده اول
حذف شود .
(ابراهیم زنجانی)

رئیس - آقای اقبال السلطان
(اجازه)
اقبال السلطان - موافقم
رئیس - آقای آقا سید فاضل
(اجازه)
آقا سید فاضل - موافقم
(اظهار شد مخالف نیست)
رئیس - رأی میگیریم بماده واحده
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(اکثریت قیام کردند)
رئیس - تصویب شد . راجع بامتیاز
کوگرد و نمک جزائر مذاکره در کلیات
است .
آقای حاج میرزا عبدالوهاب
(اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض
میکند امتیاز دادن بجای معین و بکلیله
اتباع داخله خیلی خوب است ولی چهل سال
به است خیلی زیاد است برای اینکه نمک
جزو ارزاق عمومی است و بنده این مدت را
مقتضی میدانم .
بعلاوه در این مدت تقریباً اختیار تعیین
قیمت با خود او است و بنده باین ترتیب این
امتیاز را جائز نمیدانم باید اولاً مدت امتیاز
از چهل سال کمتر باشد و ثانیاً قیمت متوسط
نمک هم در فارس باید معلوم شود که پس از
وضع مخارج يك ده يك هم با علاوه کرد
و بفروش برساند والا ارزاق عمومی را بطور
مطلق در اختیار اوباقی گذاردن جایز نیست
و هم چنین عوائد دولت را هم خیلی کم تعیین
کرده اند و باید زیاد تر شود
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)
آقا سید یعقوب - چون در موقعی که
این امتیاز از کمیسیون فوائد عامه میگذشت
بنده عضو کمیسیون بودم لذا ناچارم اطلاعاتی
که در این باب بتوسط وزارت فوائد عامه
تحصیل شده عرض کنم .
اولاً چنانچه ملاحظه بفرمائید اعضاء
کمیسیون نهایت جدیت و دقت را می
نموده اند که منافع دولت کاملاً در
این باب محفوظ و منظور شود و برای مزید
استحضار خاطر آقایان باید عرض کنم قبل
آنکه کانال سوئز
و پیش از آنکه بتوانند از جاهای دیگر
نمک بیاورند از این جزائر نمک حمل به
هندوستان میشد و از این راه يك منافع
کلی عاید میگشت .
ولی بعد از آنکه طریق سوئز باز و
حمل نمک در همه جا شد دیگر آن منافع
کثیره برای این جزائر و برای آن کسی
که امتیاز این جزائر را دارد باقی نیست
و منافعی که حالا برای این نمک متصور
است فقط مصرف خود جزائر است و آقای
حاج میرزا عبدالوهاب عرض میکنند که
حضرت عالی بفارس تشریف نبرده اند و
نمی دانند که العبدالله فارس خیلی نمک دارد

و جزء ارزاق عمومی هم نیست که صاحب
امتیاز بتواند احتکار کند و این طور نیست
که اگر ما این چهل ساله امتیاز را بدهیم
از حیث احتکار ارزاق عمومی يك ضرری
وارد آورده باشیم و چنانچه عرض کردم
نمک کوهی و نمک سنگی در آن حدود
خیلی زیاد داشت .
بعلاوه این مسائلی که فرمودید راجع
به مواد است و حالا شور اول است و اگر
نظریاتی داشته باشید در شور اول پیشنهاد
میکنید و بکمیسیون میروید گرچه در این
جامکر صحبت شده که شور در کلیات
چطور باید باشد .
آن طوریکه من در این موضوع عقیده
دارم و چنانچه آقای رئیس هم یکمرتبه
فرمودند این مسئله را باید از فلان کس
سؤال کرد)
این است که من حیث المجموع در اصل
يك لایحه باید صحبت کرد نه باعتبار يك
ماده بخصوصی - یعنی از مجموع مواد لایحه
باید يك اصولی اتخاذ کرد و بطور کلی در
آن باید حرف زد نه اینکه بطور خاص
در يك ماده صحبت کرد .
پس ما باید بطور کلی نظریه خودمان
را در این امتیاز به تنه داخله و باین شرائط
اظهار کنیم حالا اگر با بعضی مواد هم فرضاً
مخالف باشیم ممکن است در موقع خودش
نظریه خودمان را در آن ماده مخصوص
بگوئیم و شما خودتان تصدیق دارید که
اعتراضات راجع به مدت چهل سال بودیا در
مقدار سه ماه دولت .
این راجع بنمک و اما منافع کوگرد
اینطور نیست که تصور میفرمائید و تا صاحب
امتیاز يك آلات و اسباب کاری نیاورد
و کوگرد را در آنجا تصفیه نکند هیچ
فایده ندارد و اگر بعوائد دولت در این
مدت گذشته ملاحظه بفرمائید خواهید دید
که از حیث نمک و کوگرد هیچگونه انتفاعی
نبرده است .
بفرمایش آقای شیخ الاسلام وقتی
آن صورت عظیم الجثه را ملاحظه بفرمایند
می بینند عوایدی که از این بابت توسط وزارت
مالیه صورت آن بمجلس آمده چیز قابلی
نبوده است .
پس وزارت فوائد عامه با در نظر
گرفتن منافع دولت این رایوورت را بمجلس
تقديم داشته است .
رئیس - آقای اقبال السلطان
(اجازه)
اقبال السلطان - در موقعی که قانون

خارجه برای مالیه با اعطای امتیازی پیش
باید در این صورت تکلیف چه خواهد بود
بالاخره در نتیجه مذاکرات در همان زمینه
مجموع بنظرم است يك ماده اضافه شد که
مواد راجع باختیارات او بعد از ورود او به
تهران اجری خواهد شد مگر اینکه لازم
بدانند در بعضی از مواد و مسائلی که
مشمول مواد اختیارات او است قبلاً به او
مراجعه و با او مشورت نمایند حالا ما باید از
این ماده استفاده کنیم . بنده
نمیدانم چه ضرری دارد اگر در این موضوع
جلب نظریات او را هم بنمائیم ؟ بلکه
بنده لازم میدانم که نظریه او هم فهمیده
شود و ضمناً باید دانست که عایدات اینها
در سابق چه بوده است و حالیه چه مقدار
است فقط يك اصلی را اتخاذ کرده ایم و
آن اینست که در هر امتیازی که داده میشود
صد شانزده قرار میدهم من نمیدانم این
صد شانزده کی تغییر خواهد کرد . اینکه
عرض میکنم باید بارتیس مالیه هم مشورت
کرد برای اینست که شاید نظریه اوزیادتر
از این مقدار باشد شاید دیگری پیدا شود
که زیادتر از این بدهد و بنده عقیده ندارم
بدون اعلان مزایده و مشاوره با او باین امتیاز
رأی بدهیم و مراجعه بر رئیس مالیه را در این باب
لازم میدانم .
مخبر - ما بهر طرف که می افتیم بهمان
طرف میرویم بدون اینکه ملاحظه سایر
اطراف خود را هم بنمائیم این مسئله چندین
مرتبه تاحال سؤال شده و چندین مرتبه هم
جواب داده شده است حالا باز همان عبارت
مکرر میشود .
البته آن حقوق و وظایفی را که قانون
برای رئیس مالیه معین کرده است باید
رعایت کرد ولی مراعات چیزهایی را که
قانون معین نکرده لازم نیست بموجب همان
ماده ۱۷ که اشاره فرمودید آن امتیازات
و کراهاتی که قبل از ۲۶ عرق بوده است
مستثنی است و بعد از آن تاریخ مستثنی
نیست بعلاوه نباید این نکته را فراموش
کرد که دولت مکلف است با او مشاوره
کند . ولی در آن قانون هیچ ماده نیست
شمر بر اینکه مجلس هم بارتیس مالیه باید
مشاوره کند و در آن موادی که قبل از آن
تاریخ بوده دولت مکلف نیست با او
مشاوره کند اینست که بنده با این قسمت
فرمایش آقای اقبال السلطان مخالفم .
قانون تکلیفی برای دولت و مجلس معین
کرده و وظایف هر کدام معلوم است و اگر
بر فرض مشاوره بارتیس مالیه را هم ایشان پیشنهاد
کنند بنده نسبت به عقیده خود مخالفت
خواهم کرد .
اما اینکه فرمودید چرا در هر امتیاز صد
۱۶ منظور میشود گویا ملاحظه نفرمودید
که در امتیاز نمک صد ۲۰ ملحوظ شده فقط
در قسمت کوگرد است که صد ۱۶ نوشته
شده است حالا چرا اینطور شده بر حسب
سوابق و تجربیاتی که در امتیاز نفت داریم

دولت اینطور صلاح دانسته و پیشنهاد کرده
است و علی الظاهر این مقدار هم کم نیست
اما اینکه مذاکره شد چرا بزیاده
گذارده نشده است باز عرض میکنم فراموش
نشود که در این موضوع يك سوابقی هست
و اگر بآن کتابچه که چاپ شده و در نزد همه
آقایان موجود است مراجعه فرمایند محل خیلی
از مشکلات خواهد شد و اگر درست توجه
بفرمایند ملاحظه خواهید فرمود که توجه
مخصوص در این امر معطوف شده و دولت
نظر بجهاتی دادن این امتیاز را بجای معین
بر دیگران ترجیح داده است و پس از
ملاحظه اگر متقاعد نشدید در شور دوم ممکن
است بمن اعتراض بفرمایند ولی بنده هم
پس از خواندن آن کتابچه و مطالعه بعضی از
مراسلات اینطور عقیده پیدا کردم آن کسی
که صد ۱۶ می دهد ترجیح دارد بر کسیکه
مثلاً صد ۳۰ می دهد زیرا او با يك حوادثی
مقاومت کرده و با هر مشکلی که پیش آمده
استقامت نموده است از آنجهت ترجیح
دارد و ما باید این قبیل اشخاص را همیشه
تشویق کرده و برپورانیم تا امثال اینها
بقدری زیاد شوند که بعضی دیگر نتوانند
تجاوزاتی با اشخاص بکنند و حقایق امور
توسط آنها روشن شده و پیشرفت کنند و افکار
قانون خواهان و آزادی خواهان را باید
همیشه تقویت کرد این است که در خانه عرض
میکند در همین مجلس باید تکلیف اینکار
معلوم شود و مراجعه بر رئیس مالیه را بنده
صلاح نمیدانم
رئیس - پیشنهاد آقای اقبال السلطان
قرائت می شود
(باینشرح تقریر شد)
بنده پیشنهاد میکنم - خبر کمیسیون
فوائد عامه مراجعه گردیده تحصیل نظریات
دکتر میسور رئیس کل مالیه را بنمایند
(اقبال السلطان)
رئیس - توضیحی ندارید
اقبال السلطان - توضیح خود را عرض
کردم
رئیس - باید رأی گرفت باین پیشنهاد
آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)
رئیس - تصویب نشد آقای آقا سید
فاضل
(اجازه)
آقا سید فاضل - بنده موافقم
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله
(اجازه)
حاج شیخ اسدالله - اما راجع باین
قسمت که مراجعه بدکتر میسور میشود ممکن
است در بین الشورین خود کمیسیون يك
نظریاتی از ایشان کسب کند ولی نسبت باصل
موضوع بنده خواستم سئوالی از آقای
مخبر بکنم و بینم ممکن است تحقیقات و
اطلاعاتیکه در این باب بدست آورده برای
مزید بصیرت و اطلاع ما بفرمایند و توضیح
بدهند که اولاً در آن محلهای که امتیاز میدهند

يك معادن اختصاصیکه مال اشخاص باشد
هست یا نه
ثانیاً علیاتی که تاکنون دولت در آنجا
ها کرده و منافعی که اعزایدات نمک آنجا
می برده در این سنوات چه مقدار بوده است
و در باب مخارج استخراج نمک یا حمل آن
یا زحماتی که ممکن است صاحب امتیاز متحمل
شود کمیسیون چه تحقیقاتی کرده و از چه رو
صد و هفتاد و پنج را برای صاحب امتیاز
صد ۲۵ برای دولت تعیین کرده است
اما راجع باستخراج کوگرد و تصفیه
آن که عایدات دولت را صد ۱۶ قرار داده
است اولاً این صد ۱۶ يك اصل غلطی است
که ما راجع بامتیاز نفت در نظر گرفتیم و با
اینکه زحمت و مشقت استخراج نفت و مخارج
تصفیه آن خیلی زیاد تر از کوگرد است
معدنك بنده آنرا هم تصدیق ندارم
ثانیاً استخراج و تصفیه کوگرد این
قدرها زحمتی ندارد با این حال چه شده که
سهام دولت را اینقدر کم قرار داده اند ؟
اگر يك اطلاعات عمیقاً کمیسیون در این باب
دارد خوب است بفرمایند تا ما هم اطلاع
پیدا کنیم و اگر خبر بهمین سادگی است که
بنظر می آید بنده این ۱۲۵ و ۱۱۶ منافع
دولت را نسبت بنمک و کوگرد خیلی کم
می دانم
مخبر - در این قسمت که آیا معادن
خصوصی در آنجا دارد یا نه بنده از معاون
وزارت فوائد عامه سؤال کردم ایشان
فرمودند معادن خصوصیکه متعلق بشیر
دولت باشد ندارد و اما در قسمت ۱۲۵
نمک از طرف دولت صد ۱۶ پیشنهاد شده
بود و ما در کمیسیون ۱۲۵ قرار دادیم
ولی يك اطلاعات عمیقتریکه چرا دولت باین
قسم قرارداد و آیا ۱۲۵ که نوشته اند صرفه
دولت هست یا نیست در دست نداریم ممکن
است تحقیق کرده و در شور دوم عرض کنم
رئیس - آقای نصرت الدوله
(اجازه)
نصرت الدوله - موافقم
رئیس - آقای حائریزاده
(اجازه)
حائریزاده - بنده تصور میکنم دوسه
نقص در این لایحه موجود است یکی اینکه
در سر لوحه لایحه دولت يك اثبات حق برای
حاجی معین کرده و متمسک بفرامین سته
۱۳۲۲ شده در صورتیکه مجلس دوم این
مطلب را حل کرده و بدعاوی حاجی معین
خانه داده است و همه روزه نمیشود يك
سند که نهرا که در دست اشخاص است زمینه
امتیاز و دعوائی قرارداد و این مسئله چیز نا
صحیحی است
ثانیاً در لایحه دولت جزائر را که می نویسد
جزیره بستانه جزو ش نیست و این را کمیسیون
اضافه کرده است و بنده عقیده ام این است
کمیسیون نمی تواند از پیشنهادی دولت چیزی

اضافه یا تصویب کند
يك جمله دیگر که میخواهم عرض کنم
راجع بشرح نمک است و با اینکه نمک محل
حاجت اهالی آن حدود است معدنك نرخی
برای آن معین نشده و مثل امتیازات قبل از
مشروطه فقط نوشته بقیمت عادل (چنانچه در
امتیاز چراغ برق هم نوشته بودند با قیمت
عادل) من نمی فهمم این مسئله قیمت عادل
را چطور باید معین کرد ؟
بعلاوه در صورتیکه نمک بکسی از
صادرات باند در خلیج فارس است و مال التجاره
آنجا همان نمک است که بعد از سواحل
همان می برند و فقراً آنجا مقداری از این
نمک فایده می برند اگر فرضاً چیزی عاید
دولت نشود ولی از آن طرف زیاد تر از این
میزان عاید خوانین و سکنه آنجا می شود و
امیدواریم وقتیکه مالیه ها منظم شده بیش از
این مقدار از بابت کوگرد نمک عاید دولت
شود پس وقتیکه ما این امتیاز را انحصاری
بجای معین بدهیم يك عده فقرای بدبخت
که به خارجشان از این راه اعاشه می شود
دستشان کوتاه خواهد شد و این يك کار نا
صحیحی است بنا بر این بنده با این امتیاز
موافق نیستم
مخبر - آن کلمه که راجع به جزیره
بستانه فرمودید وزیر فوائد عامه دومرتبه در
کمیسیون توضیح دادند که جزو همین امتیاز
بوده و از قلم افتاده است
ما از طرف خودمان اضافه نکرده ایم
اما راجع به جزئیات نمک اگر چه بنده هم
میتوانم جواب بدهم ولی چون نماینده محترم
بنا در آقای کارونی عضو کمیسیون هستند و
در این موضوع از بنده خبر تروافضند ایشان
باید جواب بدهند
رئیس - حاج میرزا مرتضی
(اجازه)
حاج میرزا مرتضی - آقای مخبر در
جواب آقای حاج شیخ اسدالله اظهار
کردند در خصوص این میزانی که
برای حقوق دولت معین کرده اند اطلاعات
عمیقی ندارند معدنك باز هم اصرار داشتند
که اینکار بدکتر میسور مراجعه بشود بنده هم
بانظر به آقای حاج شیخ اسدالله موافقم و
اشکال ایشان بود که يك میزانی در مسئله
نفت در نظر گرفته شود با وجود مخارج زیادی
که در استخراج نفت هست در آنجا هم من
عقیده نداشتم که حق دولت باین کمی تعیین
شود در هر صورت برای نظر بنظر بلا حطائی
صدی ۱۶ قرار دادند
حالا هر امتیازی که داده می شود قیاس
به آن میکنند و فوری می نویسند صدی ۱۶
بعد از وضع مخارج بدولت بدهند در صورتی
که استخراج نمک آنقدرها مخارج بر آن
تعامل نمیشود و بقدر نفت و سایر چیزها
خرج ندارد تصفیه اش هم خیلی سهل است
یا از کوگرد می آرد و بنده باز خاک در هر صورت
آن قدرها مخارج ندارد که ما باینهم صدی

هفتاد و پنج بهیم یکسی که استخراج میکنند و قیمت آنکه بدلت داده می شود فقط صدی ۲۵ از باب نمک و صدی ۱۶ از بابت کو کرد و بنده این میزان را خیلی کم میدانم.

از آنطرف فرمودند يك ملاحظاتی که آقای حاجی معین التجار را احرازند و از همه بحث خوب اند البته ما هم این ملاحظاتی را قائم ولی این مسئله مربوط باین امتیاز نیست اگر بنا شود مالی و عایدات دوله را باین ترتیب با شخص بهیم آنوقت این يك بابی میشود برای اینکه هر روز یکنفر بناید و بگوید من از احراز هستم و باید فلان معدن یا فلان امتیاز را بمن بدهد.

این يك اصلی نیست که آقایان منشاء قرار بدهند برای این که اینکار بگذرد. بنده عقیده ام این است که باین اندازه ابدأ نباید داده شود و در اطراف این کار تحقیقاتی بکنند و میزان مخارج را تعیین بکنند و از روی عدالت حقوق دوله را هم البته زیادت معین بکنند و يك حقوقی هم برای شخص استخراج کنند. قرار بدهند و الا باین ترتیب لایحه بنده مخالف.

رئیس - آقای نصرت الدوله
(اجازه)

نصرت الدوله - در يك قسمت فرمایشات آقای حاج میرزا مرتضی که فرمودند مراجعه بدکتر میلسو بشود چون بنده یکی از اشخاصی بودم که پیشنهاد آقای اقبال السلطان رای ندادم توضیحا عرض میکنم گمان این است که هیچ کدام از ما منکر نیستیم بعد از آن که بایک اصل کلی قائل شدیم و قانونی از مجلس گذرانیم و آن اصل کلی موجب شد که رئیس کل مالیه آوردیم البته در این صورت مسايل هستیم که در کلبه امور مالیه و هر کاری که منافع دولت در بین است از او مشاوره بشود در آن موضوع کسی مخالف نیست و لکن آنجا که بنده یا بعضی دیگران پیشنهاد آقای اقبال السلطان رای ندادم برای این بود در موقعی که قضیه کل سرخ که خیلی مسئله مهمی بود در مجلس مطرح بشود این اصل مطرح شد که مراجعه بر رئیس مالیه لازم است یا خیر و رای هم گرفته شد که لازم نیست دیگر هر روز نمیشود در يك مسئله يك قسم رای داد از آنطرف هم بنده مانعی نمی بینم که در کمیسیون قبل از شور دوم مطالباتی بشود و يك اطلاعاتی از رئیس کل مالیه بگیرند دیگر لازم نیست که ما هر روز پیشنهاد کنیم و قوانین را معطل بگذاریم. آقای راجع به نسبت عایدات و مباحثاتی که در بین آقایان در کم و زیاد بودن ۱۶ صد مطرح است اینجا جای آن نیست که بآقای آقا سید یعقوب که راجع به شورای دولتی مخالفت می فرمودند عرض کنیم که جای شورای دولتی اینجا خالی است زیرا آن آقای حاج میرزا مرتضی و نه بنده و نه آقای مخبر هیچکدام معدن نمکی نداشته ایم که بدانیم چقدر مخارج دارد و چطور استخراج میشود تا مگر حق

عادلانه تحویل طرفین کنیم و اگر ما امروز باین قانون موافقت بکنیم از برای این است که دولت با وزارت فوائد عامه گبه مأمورین قضایا بوده این میزان را پیشنهاد کرده است حالا اگر يك عده دیگری بودند که اطلاعاتشان کامل تر بود دیگر نه آقای حاج میرزا مرتضی و نه آقای حاج شیخ اسدالله هیچکدام محتاج باین مذاکرات نبوده که آقای مخبر سؤال کنند که آیا تحقیق و مراجعه در تعیین مقدار خرج و دخل شده یا نه؟

بنابر این ما باید قائل شویم که باید يك مرکزی داشته باشیم که در این قضایا اطلاعات او را قبول کنیم و الا اگر بخواهیم هر فرد فرد خودمان يك سوابقی از این قبیل مسائل داشته باشیم خیلی مشکل است و بنده شخصاً فقط نظر باینکه وزارت فوائد عامه صدی ۲۵ از باب نمک یا صدی ۱۶ از بابت گو کرد پیشنهاد کرده و میگویند سابق بر این هم همین صدی ۱۶ بوده قانع نمی شوم و بنده هم چنانکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند مخالف نیستم که دولت يك تحقیقاتی بکند و خودشان تصدیق میکنند که معدن اطلاعات وزارت فوائد عامه همین مدرك است که این پیشنهاد را کرده و چنانچه تحقیق هم بکنند مجدداً همین پیش نهاد را خواهد کرد.

معاون وزارت فوائد عامه -

در موضوع امتیازات همیشه آقایان تجار محترم با وزارت فوائد عامه در تعرض بودند و همیشه اعتراضات این بود که دولت هر وقت که يك امتیازی یا جنبی میدهد همه طور ملاحظه حال او را میکنند ولی وقتی که يك نفر اتباع ایران می خواهد امتیازی بگیرد وزارت فوائد عامه باندازه سختگیری میکند و باندازه داخل در جزئیات می شود که واقفاً تجار را بریزد میکنند.

بعضی گفتند اینطور نیست بالا. ره در موقعیکه این امتیاز در کمیسیون مطرح بود بعد از مذاکرات زیاد که صاحب امتیاز هم بهیچ وجه حاضر نبود بیشتر از میزان پیشنهادی خودش باشد بالاخره کمیسیون فوائد عامه موفق شد که صدی شانزده از عایدات گو کرد و صدی ۲۵ از عایدات نمک را حق دولت تعیین بکنند و بنابر سوابقی که در این موضوع هست و اسنادی که در دست این شخص است لذا تا اندازه ملاحظه حال او شده است یعنی باتمام اختیاراتی که در این بنادر داشته است و سالی ۱۶ هزار تومان هم بتوسط او عاید دولت میشده است معذرت می خواهم که از تمام حقوق خودش و آن ادعا نمیکند داشته باین ترتیب صرف نظر کنند.

باین معنی که در يك مدت معین عمل کند و بعد از ختم مدت امتیاز تمام جزایر و معدنها مرتضی و نه بنده و نه آقای مخبر هیچکدام معدن نمکی نداشته ایم که بدانیم چقدر مخارج دارد و چطور استخراج میشود تا مگر حق

ترتیب حاضر می شوند و امتیاز می خواهند و رعیت ایران هم هستند کرد و از این نقطه نظر هر وقت رعایای ایران با وزارت فوائد عامه طرف هستند باید نسبت بانها افلا تا اندازه ای مساعدت بشود

(جمعی گفتند مذاکرات کافی است)

میرزا سید حسن کاشانی - بنده نمیدانم مقصود از دادن این امتیاز چیست؟ در ماده هفتاد این امتیاز می نویسد صاحب امتیاز باید نمک را برای ده صراف داخلی نرخ متوسطی که در سایر نقاط خلیج فارس معمول است بفروشد و برساند و در ماده هشتم می نویسد که آلات و ادواتی که برای اینکار میآورد از گمرک معاف باشد اگر مقصود از این امتیاز این است که سایر مواد ملحق را از نمک استخراج نمود و در ایران بصرف برسانند و بدر دهم می بخورد باز يك چیزی است و الا اگر مقصود این نباشد دلیل ندارد نمک را که بفروشان بعضی از آقایان از آنرا عمومی است تا چهل سال امتیاز آن را بکفر بهیم بهر حال بنده با قسمت نمک مخالف ولی در موضوع گو کرد موافق و پیشنهادی هم تقدیم میدارم

(بشرح ذیل قرائت شد)

دولت مجاز است امتیاز معدن گو کرد و نمک واقع در جزایر هرمز قشم لارک هنگام و بوستانه بستانه و ضمیرا مطابق مواد دیل بآقای حاج معین التجار بوشهری واگذار نماید.

رئیس - آقای سید پادشاه الملک
(اجازه)

سید پادشاه الملک - گمان میکنم این ماده باید آخر لایحه نوشته شود

سید پادشاه الملک - عرض میکنم در مقدمه این لایحه نوشته است راجع بامتیاز معادن و در ماده اولش میگوید بامتیاز معادن گو کرد و نمک. نمیدانم علت این اختلاف چیست؟ می خواستم عرض کنم دومی و اولی که یکی است. چرا اینطور نوشته شده است

مخبر - پیشنهاد کنید اصلاح می شود.

حاج شیخ اسدالله - خواستم از آقای مخبر سؤال کنم آیا مذاکراتی با حاجی معین التجار کرده اند؟ و ممکن است مدت این امتیاز را کمتر بکنند؟ این که فقط قناعت کرده اند پیشنهاد وزارت فوائد عامه زیرا این مدت چهل سال خیلی زیاد است و اگر کمتر بشود البته نفع دولت امتیاز در اشغال و غیره.

مخبر - مدت امتیاز را از اول ۵۰ سال نوشته بودند و در کمیسیون مطرح مذاکره شد (مراجعه بشخص صاحب امتیاز هم که مناسبت نداشت) ولی با وزارت فوائد عامه مذاکره نموده و ۱۰ سال از مدتش را کم کردیم و کمیسیون هم چهل سال رای داد ما نباید خصوصاً با اشخاص طرف شویم

طرف ما وزارت فوائد عامه است با آن جا مذاکرات کردیم و ۱۰ سال را کسر کردند و کمیسیون هم چهل سال رای داد.

رئیس - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی -
(اجازه)

نمیدانم مقصود از دادن این امتیاز چیست؟ در ماده هفتاد این امتیاز می نویسد صاحب امتیاز باید نمک را برای ده صراف داخلی نرخ متوسطی که در سایر نقاط خلیج فارس معمول است بفروشد و برساند و در ماده هشتم می نویسد که آلات و ادواتی که برای اینکار میآورد از گمرک معاف باشد اگر مقصود از این امتیاز این است که سایر مواد ملحق را از نمک استخراج نمود و در ایران بصرف برسانند و بدر دهم می بخورد باز يك چیزی است و الا اگر مقصود این نباشد دلیل ندارد نمک را که بفروشان بعضی از آقایان از آنرا عمومی است تا چهل سال امتیاز آن را بکفر بهیم بهر حال بنده با قسمت نمک مخالف ولی در موضوع گو کرد موافق و پیشنهادی هم تقدیم میدارم

(بشرح ذیل قرائت شد)

دولت مجاز است امتیاز معدن گو کرد و نمک واقع در جزایر هرمز قشم لارک هنگام و بوستانه بستانه و ضمیرا مطابق مواد دیل بآقای حاج معین التجار بوشهری واگذار نماید.

رئیس - آقای سید پادشاه الملک
(اجازه)

سید پادشاه الملک - گمان میکنم این ماده باید آخر لایحه نوشته شود

سید پادشاه الملک - عرض میکنم در مقدمه این لایحه نوشته است راجع بامتیاز معادن و در ماده اولش میگوید بامتیاز معادن گو کرد و نمک. نمیدانم علت این اختلاف چیست؟ می خواستم عرض کنم دومی و اولی که یکی است. چرا اینطور نوشته شده است

مخبر - پیشنهاد کنید اصلاح می شود.

حاج شیخ اسدالله - خواستم از آقای مخبر سؤال کنم آیا مذاکراتی با حاجی معین التجار کرده اند؟ و ممکن است مدت این امتیاز را کمتر بکنند؟ این که فقط قناعت کرده اند پیشنهاد وزارت فوائد عامه زیرا این مدت چهل سال خیلی زیاد است و اگر کمتر بشود البته نفع دولت امتیاز در اشغال و غیره.

مخبر - مدت امتیاز را از اول ۵۰ سال نوشته بودند و در کمیسیون مطرح مذاکره شد (مراجعه بشخص صاحب امتیاز هم که مناسبت نداشت) ولی با وزارت فوائد عامه مذاکره نموده و ۱۰ سال از مدتش را کم کردیم و کمیسیون هم چهل سال رای داد ما نباید خصوصاً با اشخاص طرف شویم

کاری که عموم مردم میخواهند از آن استفاده کنند بدترین کارها است. ولیکن گاه گاهی ممکن است که اگر يك شخص منحصر نکند يك ضرری بملک وارد میشود در آن صورت انتفاع بملک در امتیاز است مثل اینکه اگر بگویم شخصی راه آهن بکشد بدون امتیاز فردا يك راه آهن دیگری در جنب آن يك شخص دیگری درست میکند که ضرر بکسی اولی می خورد.

البته در این صورت این اختصاص را با او میدهند زیرا که او تواناند که مختص باوست راه آهن را نمیکند ولی وقتی مضمن شد که چندین سال باو اختصاص دارد همه طور خرج میکند و راه هم میسازد در آن صورت انتفاعش بد نیست حالا بنده بعضی سوالات می خواستم بکنم.

اول اینکه بعضی از آقایان فرمودند که این کار چه مقدار خرج دارد و چه مقدار باید بدولت بدهد و آیا از منافع خالص باید بدهد یا غیر خالص بنده عقیده ام این است که خرجش زیاد باشد یا کم در هر صورت آنچه که حق دولت است از منافع خالص بدهد میشود.

زیرا آنچه که او خرج بکند کم یا زیاد پس از خرج کردن بر میدارد و بعد از آن هر چه که خالص برای او باقی ماند اگر فرضاً صد تومان باشد ۱۶ تومان به دولت میدهد و این بنظر بنده چیز غریبی است و هیچ برای دولت نافع نیست زیرا هر چه مخارجش بیش بیاید کم یا زیاد او خرج میکند و این مخارج برفع او صدمه نیزند او پس از وضع مخارج بدولت حق می دهد تفاوت مخارج را در صورتی باید منظور داشت که خرج بدهد او باشد اینطور که فرمودند معلوم میشود مخارج بعهده دولت است.

بالاخره بنده می خواستم از آقای مخبر سؤال کنم که آیا این معادن نمک چند تا است و چقدر وقت است که استخراج میشود و آیا تا به حال بعنوان مکتوب یا غیر مکتوب اجازه داده شده بانه.

اگر اجازه داده شده اجازه او چقدر بوده است؟

و دولت از آنها منافع میبرد و اگر این که دولت خودش اداره میکرد؟ خرجش چقدر بوده؟ و فایده اش چقدر بوده است؟

و هم چنین آیا معادن گو کرد میبشد که بروند جستجو بکنند و بکعمدن گو کردی پیدا بکنند؟

یا اینکه معدن گو کردی حاضر بوده و انتفاع هم داشته و مثل نمک آزاد بوده و همه کس میآمد و میبرد است؟

و یا اینکه بدو تصرف دولت بوده و اجازه نداده بوده است. و آیا این معادن نمک و

گو کرد در يك جا است یا در محل های مختلف است و آیا در آن ها زراعت هم میشود کرد یا خیر؟

و آیا جمعیت و سکنه آن جاها چه مقدار است؟

و آیا میشود آن ها را علیحده علیحده بتوسط اعلان مزایده باشخاص چندی اجازه داد؟ یا اینکه روی هم رفته باید يك نفر اجازه بدهند و تا به حال چه عملیاتی در آن میشده خرجش چیست چه عایدی در آن مقصود است؟ اگر امتیاز بدهد برای دولت يك فایده زیادتتری خواهد داشت؟ یا دولت خودش عمل کند؟ و یا اینکه اگر این امتیازی را بصدر بدهد بهتر است یا بیک نفر؟

باید این مسائل را تماماً منظور داشت و بالاخره بنده در تمام این مواد نظریات دارم که پس از شور و در موافقت با پیشنهاد خودم را خواهم کردم مثلاً چهل سال دادن امتیاز نمک را زیاد میدانم بلکه سی سال و ۲۰ سال را هم زیاد میدانم.

خوب است حالا يك مدت کمتری را مثلاً (۱۰) سال امتیاز بدهیم و بینیم چهار میبشد و چه فایده عاید دولت می شود اگر صلاح دولت شد و خوب کار کرد ۲ مرتبه امتیاز را نوشتن و دادن زحمتی ندارد.

دیگر از حیث مخارج اینکه این جا نوشته است که پس از وضع مخارج از عایدات خالص يك ربع به دولت بدهد البته خیلی کم است.

علاوه بر اینها باز عرض میکنم که امتیاز باید در چیزی باشد که از دادن آن امتیاز بملکت منافع بشود مثلاً در کتاب طبع کردن می نویسد حق طبع تا چندین سال محفوظ است برای این است که فرضاً بنده می خواهم کتاب طبع کنم باید بدانم این کتاب را که امروز بنده طبع میکنم فردا شخص دیگری چاپ نکند که ضرر من نخورد.

البته در صورتیکه بنده مطمئن باشم که آنرا چهل سال یا ۵۰ سال بمن تخصیص داده اند بنده خرج میکنم و بطبع میرسانم فایده هم می برم.

حالا هم راجع باین امتیاز باید توضیحات آن را بگویند و ما بفهم چطور است؟ صلاح است یا نه؟ پس از اعلام از مراتب و صلاحیت البته امتیاز داده شود بآن شخص و منافع هم بشود.

معاون وزارت فوائد عامه -

بموجب يك فرمان بلامدی جزائر قشم و هرمز و لارک و غیره. بخواج معین التجار واگذار شده است و در بعضی از این جزائر معادن مختلفه هست.

مثلاً در جزیره هرمز هم معدن نمک و هم معدن گو کرد و هم خاک قزمز است.

و جزیره قشم فقط معدن خاک سرخ دارد و جزیره لارک معدن گو کرد و معدن خاک قزمز و در هشت ولی خاک آن در حقیقت چندان قابل استفاده نیست و در بنادر بستانه

وضعی که در دست و این معادن کو کرد و نمک هر دو مشکوفاست و خود حاج معین التجار هم مدتی در آن جا بتوسط يك مهندس ایتالیائی کار میکرد و اما اینکه می فرمایند آن جزائر حاشا چه قسم بوده اینها يك جزائر زیادی است که نمیشود در آنها کشت و زرع کرد و آنها جاهائی است کم سکنه چنانکه در بعضی از نقاط آن بیش از چهار پنج ماسا کتبی نمی توانند زندگی کنند و در تابستان تمام آنها متفرق می شوند و سا کتبی آنها عبارت هستند از يك عده عرب و عجم که فقط امور معیشتان بصید ماهی و حمالی میکنند.

و اینکه نسبت بوسعت آنجاها فرمودند جمعیت آن جا چه قدر است در هرمز هفتاد خانواده بیشتر نیست و در قشم هزار خانوار و لارک سی خانوار دارد که معاش آن ها فقط از صید ماهی میگردد.

از این جهت در این معلوماً آبدانی کم است و استفاده های کلی هم نمیشود کرد مگر اینکه همین طور ترتیب عملیاتی که بگریزند یا ماطامه کاری بکنند و اشخاصی که امتیاز میگیرند و ادار کنند آن ها را که يك عملیاتی در آنجا بکنند.

رئیس - در ماده اول مذاکرات کافی است بانه؟

جمعی از نمایندگان - کافی است (بعضی کافی نیست)

جمعی دیگر از نمایندگان رای بگیرند

رئیس - عده کافی نیست برای رای گرفتن در کفایت مذاکرات.

آقای محمد ولی میرزا - يك اصلاحی عبارتی بود می خواستم عرض کنم.

رئیس - چون شور اول است اگر پیشنهاد دارید بدهید قرائت شده و بکمیسیون مراجعه می شود.

(جلسه آتی شنبه صبح ۳ ساعت و ربع قبل از ظهر)

موضوع مذاکرات - لایحه روشنائی بقاع معتبر که آن قسمتی که راجع بعقوبات عالیات است

۲ - قانون شورای دولتی

۳ - قانون انتخابات بعضی از نمایندگان

قانون انتخابات را مقدم بدارید.

رئیس - اگر خواستید تبدیل کنید روز شنبه رای میگیریم.

پیشنهادی آقای میرزا سید حسن کاشانی نمودند راجع با اداره تجدید باینکه مأمورین تجدید مجاز نیستند داخل خانه مردم بشوند ارسال میشود بکمیسیون مبتکران جمعی از نمایندگان - این مطلب محتاج پیشنهاد نیست. مأمورین تجدید باید این حق را ندارند از دو حال خارج نیست. یا در کمیسیون قابل توجه میشود یا نمیشود.

بهر حال پس از مذاقه کمیسیون بر می گردد بمجلس آن وقت تکلیف معین خواهد شد.

آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده تقاضا میکنم بودجه معلین - زود - دستور مدتی است معلین مدارس در مجلس هستند و نمیدانم مقام ریاست در این باب چه فکری کرده اند

رئیس - این فکر را باید کمیسیون بودجه بکند.

آقای مخبر - کمیسیون بودجه هم تشریف دارند و ممکن است از خودشان سؤال کنید.

نصرت الدوله - چند روز است بودجه معارف حاضر است و فقط قسمت صحبه وزارت خانه سبب تعویق شده است و فعلاً يك هفته است که متصل رجوع میکنیم بوزارتخانه که باید قسمت صحبه را يك اصلاحاتی کرده بیاورند و تأخیر نکنند ولی حالیه درست اطلاع ندارم شنیدم که آن قسمت را هم اصلاح کرده و آورده اند در هر صورت اگر موفق شدیم که آن را در بودجه وزارت معارف طبع بکنیم همین بودجه را بطبع می دهیم و آن قسمت را بعد از اصلاح بطبع می فرستیم.

معمد السلطنه - بنده تقاضا میکنم در صورتی که مانعی ندارد لایحه (اسپنون) راه آهن هم جزو دستور شود

رئیس - دستور خیلی سنگین است آقای آقا میرزا علی کازرونی

(اجازه)

کازرونی عرضی ندارم

معمد السلطنه - اگر عده کافی است رای بگیرند

رئیس - عده کافی نیست

مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد.

رئیس مجلس مؤتمن الملک جلسه ۲۲۸

صورت مشروح مجلس یوم شنبه بیست و هشتم برج دلو ۱۴۰۱ برابر ۳۰ شهر جمادی الثانی ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید)

(صورت مجلس یوم پنجشنبه بیست و هشتم دلو را آقای امیر ناصر قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده در صورت مجلس عرضی ندارم بعد از صورت مجلس

رئیس - آقای آصف الملک (اجازه)

آصف الملک - بنده در دستور عرض داشتم.